

«وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ. إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَ

الْفُؤَادَ كُلٌّ أُولَئِكَ عَنْهُ مُسْتَوَلٌ»

﴿اسراء، آیه ۳۶﴾

مسیر

تحول در زندگی بشر از آغاز زندگی انسان بر زمین تا امروز، همه و همه ناشی از حس کنجکاوی او یعنی همان نیاز به دانستن و دانا شدن بوده است.

انسان شدن و از جهل و بهیمنت بیرون آمدن تنها و تنها از طریق علم میسر است؛ علمی که از آن در معارف اسلامی به «نور» تعبیر شده است. به همین دلیل است که در اسلام تقریباً به طور مطلق، علم بر جهل و عالم بر جاهل برتری دارد.

با وجود این همه تأکید بر علم، با اندکی تأمل در حال و روز خودمان و آنچه پیرامونمان می‌گذرد، می‌توان دریافت که انسان‌ها عموماً نسبت به بسیاری از امور و حقایق، نه از روی علم، بلکه از روی جهل نظر می‌دهند و قضاوت می‌کنند و حتی از کسی یا چیزی، براساس همین جهل خود پیروی می‌کنند. به همین علت است که بسیاری از چنین افرادی نمی‌توانند به روش علمی، یعنی از روی آگاهی و بصیرت، مشکلات خود را حل کنند و چه بسا مشکلی یا مشکلاتی از آن‌ها برای سال‌ها حل نشده باقی بماند و آن‌ها را در رنج و حرمان نگه دارد. لذا این آیه به همه هشدار می‌دهد، مبدا تا زمانی که نسبت به

آیه‌ای که در بالا آوردیم، یکی از آیات بسیاری است که در آن‌ها بر ارزش و جایگاه «دانستن» و «مسئول بودن انسان» نسبت به علم و دانش خود تأکید شده است.

ما در این نوشتار کوتاه می‌خواهیم ببینیم، چگونه می‌توان از آیه مذکور در پرورش ذهن دانش‌آموزان و چگونگی به کارگیری روش علمی در زندگی بهره برد. نخست باید بدانیم، علم و دانش در ابتدا آموختنی و کسب کردنی است و کسی به طور خود به خود یا غریزی دانا نمی‌شود. دیگر اینکه، راه‌های دریافت و کسب علم، حواس پنجگانه (که در این آیه به دو حس شنوایی و بینایی اشاره شده) و نیز قلب یا دل (یعنی کانون احساسات و عواطف) است؛ و بالاخره اینکه علم مسئولیت می‌آورد. کسی که به مسئله‌ای دانا می‌شود، با وقتی که نادان بود متفاوت است و باید رفتارش هم متفاوت باشد؛ مثال معروف

«چو می‌بینی که نابینا و چاه است

اگر خاموش بنشیننی گناه است!»

مصدق همین معناست.

نیاز به بیان نیست که هر گونه تغییر و

حکما، دانشمندان و ادیان میان انسان و غیر انسان، یعنی حیوان، فصل‌میزی‌های بسیاری را برشمرده‌اند: انسان حیوان ناطق، انسان گرگ انسان، انسان موجود عصیانگر، انسان خلیفه خدا روی زمین و... یک فصل ممیز نیز می‌تواند «انسان موجود آگاه و خودآگاه» باشد. در حقیقت، در میان جان‌داران جهان هستی تنها انسان است که ظرفیت و قابلیت عالم شدن و آگاه شدن نسبت به امور و اشیا را دارد و می‌تواند از جهل به علم و از شک به یقین برسد و دانا شود. از این بالاتر و مهم‌تر، او خودآگاهی نیز دارد. یعنی بر دانستن و ندانستن خود آگاه است، چنان‌که شاعری بر همین اساس این ابیات زیبا و معروف را سروده است:

آن کس که بداند و بداند که بداند

اسب شرف از گنبد گردون بجهاند

آن کس که نداند و بداند که نداند

لنگان خرک خویش به منزل برساند

آن کس که نداند و نداند که نداند

در جهل مرکب ابد الدهر بماند

«در پی چیزی که به آن علم نداری مباش، بدان که گوش و چشم و دل، همه مورد سؤال واقع می‌شوند.»

دانایی

چیزی یا کسی یا امری به دانش و آگاهی نرسیده‌اید و از صحت و سقم آن مطلع نشده‌اید، آن را مسلم بدانید و بدتر اینکه از آن پیروی کنید.

یکی از وظایف مدرسه‌ها و معلمان این است که علاوه بر آموزش محتوا به بچه‌ها، روش آموختن علم و دانا شدن را هم به آن‌ها بیاموزند تا بچه‌ها بتوانند، به‌ویژه در آینده، راه صحیح را از راه غلط تشخیص دهند. این کاری است صعب و دشوار که نیاز به استفاده از عقل، منطق، شعور، استنباط و استدلال دارد. البته در خصوص علوم رایج، مثل ریاضیات و علوم تجربی و فنی، این دشواری کمتر است، زیرا این علوم چارچوب‌ها و قواعد و قالب‌های مشخص و روشن و تجربه شده دارند و همه‌کس می‌تواند به آن دست یابد. اما در حوزه ارزش‌ها، رفتارها، علاقه‌ها، عواطف، احساسات و خلیقات، که قالب‌ها و چارچوب‌ها به دقت علوم پیشین نیست، کار بسیار دشوار ولی امکان‌پذیر است.

شاید از همین روست که در آیه مذکور، علاوه بر حواس پنجگانه - که در اینجا تنها به دو مورد آن، یعنی گوش و چشم، اشاره شده، به دل یا قلب (فؤاد) که کانون عواطف

و احساسات انسان است نیز اشاره گردیده است.

حال می‌پرسیم، چگونه و با چه راهکاری می‌توان به دانش‌آموزان یاد داد اولاً در پی کسب علم و آگاهی، و از آن بهتر، خودآگاهی باشند و ثانیاً تا زمانی که به چیزی معرفت واقعی پیدا نکرده‌اند، آن را دنبال روی نکنند. مسلماً راه‌ها و راهکارهای متعدد و متفاوتی وجود دارد که یکی از آن‌ها همین درس‌های ساده‌ای است که دانش‌آموزان در دوره آموزش عمومی در مدرسه می‌خوانند و در درجه اول آن‌ها ریاضیات و علوم تجربی قرار دارند.

ریاضیات و علوم می‌گوییم، زیرا همان‌طور که گفتیم، این دانش‌ها قالب‌ها و چارچوب‌هایی دارند که اگر درست آموزش داده شوند، دانش‌آموز می‌تواند همان‌ها را در درس‌های دیگر به کار گیرد و اندک‌اندک روش صحیح یادگیری علم را فراگیرد. برای مثال، در این درس‌ها امتحانات معمولاً دقیق‌تر برگزار می‌شوند تا درس‌های علوم انسانی؛ پس می‌تواند دقت نظر دانش‌آموز را هم افزایش دهد و قدرت استنباط و استدلال او را قوی‌تر سازد.

بدین ترتیب، او روش یا الگویی را تجربه خواهد کرد که می‌تواند آن را در درس‌های دیگر هم به کار گیرد؛ درس‌هایی که در آن‌ها جنبه‌های احساسی، عاطفی، عقلی و رفتاری بیشتر نمود دارند. ضمن اینکه باید تأکید کنیم، خواندن این آیه و ترجمه آن برای دانش‌آموزان، به ویژه هنگامی که دچار خطا می‌شوند و مخصوصاً هنگامی که راجع به دوستان خود یا معلمان خود و حتی پدران و مادران خود قضاوت زود هنگام دارند، می‌تواند مؤثر باشد. والسلام.

همکاران و خوانندگان عزیز!

با این مطلب، مجموعه نوشتارهای قرآنی ما در سال تحصیلی جاری در مجله رشد تکنولوژی آموزشی به پایان می‌رسد. خواهیم‌شد است دیدگاه‌ها و نظرات خود را در مورد این نوشته‌ها به دفتر مجله منعکس کنید تا در آینده بتوانیم از آن‌ها در جهت تهیه مطالب مفیدتر برای شما استفاده کنیم. موفق باشید

جعفر ربانی